

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۷

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۹۸

تحلیل مقوله یأس در عصر غیبت با تأکید بر عوامل پیشگیری و درمان آن

فاطمه نجارزادگان^۱
محمد علی مهدوی راد^۲

چکیده

از چالش‌های عصر غیبت دشواری شرایط و ابتلائات آن است که چون به طولانی شدن این دوره ضمیمه گردد، غم و یأس مردم نسبت به ظهور حضرت و تحقق وعده‌های الهی را فراهم می‌آورد. امری که به ویژه در جامعه امروز پررنگ شده است. ائمه اطهار (علیهم‌السلام) با پیش‌بینی این چالش در عصر غیبت، مؤمنان را از آن برحذر داشته‌اند. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی ابتدا به بررسی فشرده متعلق یاس، مبتلایان بدان و پیامدهای این مسئله در قرآن و احادیث پرداخته و سپس به طور مبسوط راهکارهای پیشگیری و درمان آن را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی

عصر غیبت، یاس، متعلق، پیامدها، عوامل پیشگیری و درمان.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی (دانشگاه تهران) (نویسنده مسئول)
(najjarzadehgan@gmail.com).
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی (دانشگاه تهران).

مقدمه

با بررسی بیانات ائمه علیهم السلام درباره شرایط، چالش‌ها و نشانه‌های خاص عصر غیبت - که پاره‌ای ابتلا و آزمون الهی و برخی دیگر بلا و کیفر است - سختی این دوران آشکار می‌گردد. برای نمونه:

لَا يُقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَكَأَزَلٍ وَفِتْنَةٍ وَبَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَطَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَاخْتِلَافٍ شَدِيدٍ بَيْنَ النَّاسِ وَتَشَتُّتٍ فِي دِينِهِمْ وَتَغْيِيرٍ مِنْ حَالِهِمْ حَتَّى يَتِمَّ الْمُنْتَمَى الْمَوْتِ صَبَاحًا وَمَسَاءً؛

قائم عَلَيْهِ السَّلَام قیام نخواهد کرد مگر آن‌که پیش از ظهور وی ترس شدید، فتنه و ابتلایی بزرگ و بیماری طاعون مردم را فراگیرد؛ اختلافی شدید در میان‌شان به وجود آید؛ در دین‌شان متفرق شوند و حال‌شان تغییر یابد. به گونه‌ای که از شدت سختی شرایط هر بامداد و شامگاه آرزوی مرگ کنند. (نعمانی، بی‌تا: ۲۳۵)

به ویژه اگر طولانی شدن دوران غیبت به این چالش‌ها ضمیمه شود، دشواری آن بیش از پیش روشن خواهد شد. از این رو ائمه علیهم السلام، این عصر را با عبارت «آیس ما یكون و اشد غما»؛ (دربدارنده شدیدترین یأس و اندوه [نامیدکننده‌ترین شرایط و شدیدترین اندوه]) (نعمانی، بی‌تا: ۲۸۱) توصیف کرده و در عین حال اوج غم و یأس مردم را نویدبخش ظهور دانسته‌اند:

انه انما یجیء الفرّج علی الیأس؛ (شیخ صدوق، بی‌تا: ج ۲، ۶۴۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۹۰)

فرج در هنگام یأس فرا می‌رسد.

إِنَّ بَعْدَ الْغَمِّ فَتْحًا عَجِيبًا؛ (نعمانی، بی‌تا: ۱۹۷)

بعد از اندوه گشایشی شگرف خواهد بود.

فخروجه اذا خرج یكون عند الیأس والقنوط؛ (نعمانی، بی‌تا: ۲۳۴)

پس خروجش در زمان یأس و نومیدی خواهد بود.

اذا استیأست امتی من المهدی، فیأتیها مثل قرن الشمس، یستبشر به أهل السماء وأهل الارض؛ (حسن بن سلیمان حلّی، ۱۴۲۱ق: ۹۰)

زمانی که امت من از مهدی مأیوس شوند چون خورشیدی که اهل آسمان و زمین را شادمان می‌کند، خواهد آمد.

والله لا یكون ما تمدون الیه اعینکم الا بعد ایاس؛ (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۳۷۳)

به خدا سوگند، آن‌چه بدان امید بسته‌اید جز بعد از یأس فرا نمی‌رسد.

وذلك حين تغير البلاد وتضعف العباد والإياس من الفرج وعند ذلك يظهر القائم فيهم؛
(شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۵۱)
و ظهور در هنگام تغییر شهرها، ضعف بندگان و نومیدی از فرج است؛ در این زمان
قائم خواهد آمد.

بیان مسئله

از بررسی روایاتی که به تبیین یأس در عصر غیبت پرداخته‌اند به دست می‌آید که برخی از
راویان این احادیث ضعیف یا مجهول الحال‌اند هم‌چون علی بن ابی حمزة بطائنی (نجاشی،
۱۳۶۵ش: ۲۵۰؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۸۳؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق: ۲۳۲؛ استرآبادی، ۱۴۲۲ق: ج ۷،
۲۹۳)، سهل بن زیاد (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۸۵؛ استرآبادی، ۱۴۲۲ق: ج ۶، ۱۲۴؛ خویی،
۱۴۱۳ق: ج ۹، ۴۸۶)، علی بن موسی الخزاز (کتب رجالی به وی نپرداخته‌اند؛ به نقل از نمازی،
۱۴۱۴ق: ج ۵، ۴۸۶)، یوسف بن کلب (کتب رجالی به وی نپرداخته‌اند؛ به نقل از نمازی،
۱۴۱۴ق: ج ۸، ۲۹۱) و... اما تعداد این روایات (که قریب به بیست حدیث با اسناد گوناگون
است) و محتوای مشابهشان سبب می‌شود که هرگونه تردیدی درباره عدم صدور یا تحریف این
احادیث از میان رود (در ادامه به این روایات پرداخته خواهد شد) در پاره‌ای از این احادیث،
یأس و مشتقات آن (چون ایاس) به کار رفته و در برخی دیگر از قنوط، غم، انقطاع و... استفاده
شده است.

بنابراین یأس در عصر غیبت مسئله‌ای قطعی است. اما اگر به درستی مدیریت نشود،
می‌تواند مسیر فرد و جامعه را دگرگون کرده و آن‌ها را به قهقرا برد. از این رو باید دید راهکارهای
پیشگیری و درمان آن چیست؟
برای دستیابی به این امر مهم، نخست متعلق، مبتلایان و پیامدهای یأس بررسی شده و
سپس به تفصیل به راهکارهای پیشگیری و درمان آن پرداخته خواهد شد.

متعلق یاس

اکثر احادیثی که به نومید شدن مردم در عصر غیبت می‌پردازد، درباره متعلق یأس مسکوت
است. تنها چند روایت است که با عباراتی همچون «إذا استیاست امتی من المهدی» (حلی،
۱۴۲۱ق: ۹۰)؛ «عند انقطاع من الزمان» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۸۲)؛ «الایاس من الفرج»
(طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۵۱) متعلق یأس را مشخص می‌کند.
روایات دیگر در باب وقایع عصر غیبت، اطلاعات بیشتری در این باره بدست داده و نشان

می‌دهد که مردم در این دوره به آفات حیرت، شک، ارتداد، اختلاف و... دچار می‌شوند.
هم‌چون:

حتى يرجع عن هذا الأمر اکثر القائلين به (با تعبیر متعدد)؛ (صدوق، بی‌تا: ۳۸۴)
تا این که بسیاری از باورمندان به این امر، از اعتقاد خویش دست کشند.

ارتداد اکثر القائلين بإمامته؛ (صدوق، بی‌تا: ۳۷۸)
بسیاری از معتقدان به امامت حضرت از آن بازگردند.

واجتمعوا على ان الحجة ذاهبة والإمامة باطلة...؛ (نعمانی، بی‌تا: ۱۴۱)
بر از دست رفتن حجت و ابطال امامت متفق شوند.

وهو الذي يشك الناس في ولادته؛ (شیخ صدوق، بی‌تا: ۳۷۱)
او کسی است که مردم در ولادتش به تردید مبتلا می‌شوند.

حتى اختلف الشيعة مات او هلك في أي واد سلك؛ (نعمانی، بی‌تا: ۱۵۷)
تا بدان جا که شیعیان اختلاف کنند. برخی گویند حضرت از دنیا رفته یا به قتل رسیده
است.

فاختلاف من اختلف فيه حتى قالت طائفة منهم: ما ولد وقالت طائفة: مات وقالت
طائفة: قتل و صلب؛ (صدوق، ج ۱، ۳۲۷)
پس در روی دچار اختلاف شوند. گروهی گویند: هنوز به دنیا نیامده است. دسته‌ای
گویند: کشته شده است.

ليغيبن عنهم حتى يقول الجاهل: ما لله في آل محمد من حاجة؛ (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۳۴۰)
او غایب شود تا بدان جا که نادان گوید: به خدا سوگند، ما را به آل محمد نیازی نیست.
تكون له غيبة وحيرة تضل فيه الأمم (يضل الخلق عن أديانهم)؛ (صدوق، بی‌تا: ۲۸۶)
غیبت و در پی آن حیرتی حاصل شود که افراد از دین‌شان منحرف گردند.

با تأمل در هر دو قسم روایات فوق به نظر می‌آید که یأس از ظهور، بستری مهم در پیدایش
آفات مذکور - چون اختلاف، شک، ضلالت و... - است؛ پس می‌توان از این آسیب‌ها برای کشف
و تبیین متعلق یأس بهره برد. از این رو می‌توان گفت: یأس و ناامیدی در مردم زمان غیبت
ابعاد متعددی دارد. از جمله: یأس از برقراری عدالت و حاکمیت الهی؛ یأس از حیات
حضرت عليه السلام (بدین وصف که امام دوازدهم، متولد نشده یا این که به قتل رسیده یا به مرگ
طبیعی از دنیا رفته است)؛ یأس از فرج (یعنی - ایشان خواه زنده باشند خواه مرده - وعده فرج

دروغ و باطل است)؛ یأس از امر امامت (بدین معنا که امامت به پایان رسیده و امام دوازدهم هرگز وجود نخواهد داشت. حتی اگر وجود داشته باشد ما را بدان نیازی نیست)؛ یأس از ادیان (یعنی به دلیل دشواری امور، افراد - فراتر از منجی - از دین خود نیز ناامید می‌شوند). لازم به ذکر است هر گروهی به یک یا چند مورد از ابعاد یأس مبتلا شده و لزوماً همه این ابعاد در همه افراد به وجود نمی‌آید. نیز ممکن است متعلق یأس در طول زمان تغییر یابد. مثلاً یأس از حیات حضرت علیه السلام به یأس از امر امامت مبدل گردد.

مبتلایان به یأس

با استفاده از احادیثی هم‌چون: «حتی لا یبقی منکم الا الاقل» (نعمانی، بی‌تا: ۲۰۸)؛ «حتی لا یبقی منکم الا الاندر» (نعمانی، بی‌تا: ۲۰۸)؛ «حتی لا یبقی الا نحن و شیعتنا» (نعمانی، بی‌تا: ۲۰۲)؛ «حتی لا یبقی منکم الا العصابه لاتضرها الفتنه شیئا» (روایات مشابه) (نعمانی، بی‌تا: ۲۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۱۱۶) و... می‌توان گفت: یأس و به طور کلی آفات عصر غیبت دامن‌گیر اکثر افراد - و نه تمام آن‌ها - خواهد بود و مؤمنان حقیقی (که گروه اندکی را تشکیل می‌دهد) هرگز به این آفات دچار نخواهند شد: «الا من عصمه الله عز و جل» (شیخ صدوق، بی‌تا: ۴۰۹) نیز در روایات، اوصاف این گروه آورده شده که به آن خواهیم پرداخت. به نظر نگارنده، افراد را می‌توان در دو گروه عمده تقسیم کرد: گروه اول مؤمنان حقیقی‌اند که البته تعدادشان بسیار اندک است. این افراد هرگز از تحقق وعده‌های الهی در نصرت دین ناامید نمی‌شوند. بلکه تنها ممکن است از موثر نبودن عواملی که برای یاری دین آماده کرده‌اند و نیز شکست ظاهری‌شان در برابر دشمن، نگران شده (نه مایوس) و این اضطراب در ظاهرشان نمودار گردد. در عین حال با قلبی مطمئن در مقام استدعا خطاب به خداوند بگویند: «متی نصر الله»

گروه دیگر، (از افرادی که در ظاهر اسلام آورده‌اند اما قلب‌شان به نور ایمان روشن نشده) چه در ظاهر و چه در قلب‌شان دچار یأس خواهند شد. اما مسلماً مراتب ناامیدی در این گروه - برحسب مراتب ایمان - متفاوت بوده و به هر میزان ایمان فرد ضعیف‌تر باشد؛ یأس بیشتری را تجربه خواهد کرد. مثلاً یأس از دین و امر امامت (که توضیح داده شد) در مقایسه با یأس از حیات امام علیه السلام، در مراتب ضعیف‌تر ایمان پدید می‌آید.

پیامدهای ویرانگر یأس

گرچه یأس مردم از ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیه، نویدبخش ظهور است اما نباید از خطرات و

پیامدهای بحران ساز آن - که بحران آفرین، بزرگترین بلا، از مهم‌ترین کمین‌گاه‌های شیطان و کشنده فرد مایوس است (محمدری شهری، ۱۳۸۲ ش: ج ۱۴، ۷۱۵۵، باب یاس) - غافل شد. به ویژه آن که یأس از فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عواقب خاص و شدیدی را در پی دارد. هم‌چون:

۱. به طور کلی، ناامیدی از رحمت الهی از جمله کبائر - بلکه اکبر کبائر پس از شرک - است که می‌تواند به کفر منتهی شود:

إِنَّ مِنَ الْكِبَائِرِ، عَقُوقَ الْوَالِدَيْنِ وَالْيَأْسَ مِنْ رُوحِ اللَّهِ، وَالْأَمْنَ مِنْ مَكْرَ اللَّهِ؛ (کلینی، بی‌تا: ج ۲، ۲۱۷)

وأكبر الكبائر الشرك بالله، يقول الله: ﴿وَمَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ﴾ بعده اليأس من روح الله، لأن الله عزوجل يقول: ﴿إِنَّهُ لَا يَيْئَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾. (بحرانی، ۱۴۱۶ ق: ج ۵، ۲۰۲؛ قی مشهدی، ۱۳۶۸ ش: ج ۱۲، ۵۰۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق: ج ۲، ۴۷۸)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ﴿إِنَّهُ لَا يَيْئَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (یوسف: ۸۷) می‌نویسد:

کلمه «روح» - به فتح راء و سکون واو - به معنای نفس و یا نفس خوش است، هر جا استعمال شود کنایه است از راحتی، که ضد تعب و خستگی است، و وجه این کنایه این است که شدت و بیچارگی و بسته شدن راه نجات در نظر انسان نوعی اختناق و خفگی تصور می‌شود، هم‌چنان که مقابل آن یعنی نجات یافتن به فرج و پیروزی و عافیت، نوعی تنفس و راحتی به نظر می‌رسد، و لذا می‌گویند خداوند «یفرج الهم و ینفس الكرب» - اندوه را به فرج، و گرفتاری را به نفس راحت مبدل می‌سازد، پس روحی که منسوب به خداست همان فرج بعد از شدتی است که به اذن خدا و مشیت او صورت می‌گیرد. و بر هر کس که ایمان به خدا دارد لازم است به این معنا معتقد شود که خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد و به هر چه اراده کند حکم می‌نماید، و هیچ قاهری نیست که بر مشیت او فائق آید و یا حکم او را به عقب اندازد، و هیچ صاحب ایمانی نمی‌تواند و نباید از روح خدا مایوس و از رحمتش ناامید شود زیرا یاس از روح خدا و نومیدی از رحمتش در حقیقت محدود کردن قدرت او و در معنای کفر به احاطه و سعه رحمت اوست.

بنابراین قطعاً نعمت امامت نیز رحمتی است که انکار آن در اثر قطع امید از ظهور، گناه کبیره خواهد بود.

۲. به طور ویژه اگر ناامیدی در شخص تا حدی نفوذ کند که به انکار حضرت منجر شود، کفر را در پی خواهد داشت. زیرا انکار و تکذیب ایشان، انکار و تکذیب رسول خدا ﷺ و جمیع انبیا خواهد بود. هم چنان که پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:

من اطاعة (الامام الحجة) اطاعني (رسول الله) ومن عصاه عصاني ومن انكره في غيبة فقد انكرني ومن كذبه فقد كذبني ومن صدقه فقد صدقني؛ (شیخ صدوق، بی تا: ج ۲، ۴۱۱)

هرکس از وی تبعیت کند، مرا پیروی کرده است و هرکس از او سرپیچی کند مرا نافرمانی کرده است و هرکس او را تکذیب نماید مرا تکذیب کرده است و هرکس او را تصدیق نماید مرا تصدیق نموده است.

نیز امام حسن عسکری ﷺ می فرمایند:

ان المقرب لائمة بعد رسول الله ﷺ المنكر لولدى كمن أقر بجميع انبياء الله ورسله ثم انكر نبوت رسول الله ﷺ والمنكر لرسول الله ﷺ كمن أنكر جميع الأنبياء لأن طاعة آخرنا كطاعة أولنا والمنكر لآخرنا كالمنكر لأولنا؛ (همو)

هرکس در عین باورمندی به امامت ائمه ﷺ، منکر فرزندانم (مهدی) باشد مانند کسی است که به نبوت همه انبیا معتقد بوده اما نبوت رسول اکرم ﷺ را انکار کند و هرکس ایشان را انکار نماید گویی نسبت به همه انبیا چنین کرده است. زیرا اطاعت آخرین ما مانند پیروی از اولین ما است و انکار آخرین ما هم چون انکار نخستین ما است.

چنان چه در روایتی دیگر بیان شده که منکر ایشان، به مرگ جاهلی از دنیا خواهد رفت. چون مسلم است منکر رسول اکرم ﷺ و جمیع انبیا، از دین بهره ای ندارد:

من انكر القائم من ولدى في زمان غيبة مات ميتة جاهلية؛ (همو)
هرکس فرزندانم (قائم) را در زمان غیبت وی انکار نماید به مرگ جاهلی از دنیا خواهد رفت.

راهکارهای پیشگیری و درمان یأس

ماهیت و پیامدهای شدید یأس و ناامیدی - که توضیح آن از نظر گذشت - ضرورت پیشگیری و درمان آن را ایجاب می کند. بدین منظور راهکارهای ذیل پیشنهاد می شود:

البته در بدو امر لازم است روایات ائمه ﷺ درباره شرایط عصر غیبت، برای مردم تبیین گردد تا به محض رویارویی با عوامل پیدایش یأس، خود را نبازند (و از حیات حضرت ﷺ، فرج ایشان و یا از برقراری عدالت و حاکمیت الهی نومید نشوند)؛ بلکه شرایط مذکور را از چالش های

آن عصر و مقدمات ظهور دانسته و با اعمال صالح خویش در زمره مؤمنان حقیقی قرار گیرند.

توجه به سنت آزمون و ابتلا

«سنت آزمون و امتحان الهی» اجتناب ناپذیر و مبتلا به همه انسان ها و همه امت ها است:

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ (انبیاء: ۳۵).

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران: ۱۴۲).

تا به وسیله آن مؤمنان حقیقی از سایر افراد متمایز گردند. پاره ای از شرایط و چالش های دوران غیبت نیز از ابتلائات و آزمون های الهی هستند. هم چنان که روایات متعددی درباره آن سخن گفته:

لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يَمْحَصُوا وَيُمَيَّزُوا وَيُغْرَبَلُوا؛ (کلینی، بی تا: ج ۱، ۳۷۰)

برای مردم گریزی نیست از آن که (در عصر غیبت) آزموده شوند و تمییز داده شوند و غربال گردند.

و از آن با تعبیر «فتنه» یاد کرده اند. فتنی که از آزمون عجل و سامری هم دشوارتر است:

فَلْفِتْنَةُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ بِيَوْمِئِذٍ مِنَ فِتْنَةِ الْعَجَلِ وَالسَّامِرِيِّ؛ (شیخ صدوق، ج ۱، ۲۵۳)

آزمون مردم در آن دوران از فتنه عجل و سامری نیز سخت تر است.

بنابراین می توان تاخیر در فرج را از آزمون های الهی در عصر غیبت دانست که به واسطه آن مؤمنان حقیقی مشخص می شوند و به اجر عظیم اخروی دست می یابند. پس یأس از فرج، یکی از اقسام شکست در این امتحان است که عاقبتی جز شقاوت برای انسان نخواهد داشت.

توجه به سنت نصرت الهی

نصرت الهی، وعده ای قطعی است که به رسولان و مؤمنان تعلق دارد:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ (غافر: ۵۱).

هم چنان که بنابر آیات، این سنت در میان امت های گذشته (چون امت نوح، ابراهیم، لوط، یوسف، شعیب، صالح، هود، یونس، موسی و عیسی علیهم السلام) نیز جریان داشته است. تأمل در قرآن کریم نشان می دهد که نصرت الهی نه در ابتدا بلکه همواره پس از اوج مشکلات و یأس حاصل از آن فرا می رسیده است:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَخَتْهُمْ الْأَنْسَاءُ وَالصَّرَافُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهِ إِلَّا أَنْ نَصُرَ اللَّهُ قَرِيبٌ﴾
(بقره: ۲۱۴).

﴿حَتَّى إِذَا اسْتَيْئَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾ (یوسف: ۱۱۰).

از مهم‌ترین آیات در این زمینه، آیه ۱۱۰ سوره یوسف است. با ملاحظه تفاسیر فریقین چهار نظر درباره این آیه به دست می‌آید:

۱. پیامبران از مؤمنان مایوس شدند و گمان بردند که حتی آنها نیز ایشان را تکذیب می‌کنند و در واقع در مسیر دعوت خویش تنها هستند. در این هنگام که امید آنها از همه جا بریده شد، نصرت و پیروزی از ناحیه ما فرا رسید.

۲. پیامبران یقین کردند که امت‌شان - غیر از مؤمنان - به آن‌ها دروغ گفته و این گمراهان هرگز ایمان نمی‌آورند. در این هنگام خداوند عذاب استیصال را بر آن امت ظالم فرو آورد.

۳. پیامبران هنگامی که در دشوارترین حالات و حوادث قرار می‌گرفتند به گونه‌ای که هیچ راه گشایشی به نظر نمی‌آمد، به مقتضای طبع بشری بی‌اختیار به ذهن‌شان خطور می‌کرد که نکند وعده پیروزی الهی خلاف و یا این‌که مشروط به شرائطی بوده که حاصل نشده است، اما به زودی بر این فکر پیروز شده و برق امید در دل‌شان می‌درخشید و به دنبال آن، طلائع پیروزی آشکار می‌شد.

۴. پیامبران از ایمان آوردن قوم خود ناامید شدند. در عین حال مشکلات و بحران‌ها به حدی بود که قوم ایشان، گمان کردند که ممکن است وعده نصرتی که پیامبران داده‌اند خلاف باشد.

(برای بررسی بیشتر: بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۳، ۱۷۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ۴۰؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۸، ۵۲۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ج ۴، ۳۶۳؛ طبرسی، ۱۳۷۴ش: ج ۵، ۴۱۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ۴۷۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ج ۶، ۴۰۰؛ طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۱، ۳۸۱؛ آیه الله جوادی آملی، ۱۳۹۵ش: ج ۴۱، ۵۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۰، ۹۹)

همه احتمالات - به جز احتمال سوم که در شأن انبیا نیست - می‌تواند مراد خداوند باشد. اما در مقام ارتباط بین آیه مذکور و وقایع آخرالزمان، احتمال چهارم مؤید نویدبخش بودن اوج یأس مردم در عصر غیبت برای فرج پس از آن است. در تقویت این احتمال، روایت امام

رضا علیه السلام و سخن سعید بن جبیر - تابعی جلیل القدر - قابل ملاحظه است که در پاسخ به ابهام این آیه چنین تفسیر کرده‌اند:

تا آن که رسولان از تصدیق قوم خود مایوس شدند و مردمی که آن رسولان به سویشان گسیل شده بودند چنین پنداشتند که به رسولان خبر دروغ داده‌اند. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۲۰۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ۴۱)

به علاوه بیان علامه طباطبایی نیز در این زمینه حائز اهمیت است:

... اما این که فرمود: امت‌های ایشان چنین پنداشتند که به انبیاءشان دروغ گفته‌اند، نظیر مطلبی است که قرآن در داستان نوح آورده که قومش گفته بودند: «بَلْ نَطْمُنُّكَمْ كَاذِبِينَ» (هود: ۲۷) و هم چنین در داستان هود و صالح آورده، و در داستان موسی و فرعون فرموده «فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا» (اسراء: ۱۰۱) (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۱، ۳۸۲).

بنابراین تاکید بر وعده الهی در نصرت مؤمنان و عدم تخلف حق تعالی از وعده‌های خویش (بقره: ۸۰؛ رعد: ۳۱؛ روم: ۶؛ زمر: ۲۰) زمینه هرگونه یأس و ناامیدی در مؤمنان را از بین می‌برد؛ البته باید آنان را به این مسئله نیز توجه داد که یاری خداوند زمانی خواهد آمد که دشواری‌ها به بالاترین حد خود رسیده باشد. پس نباید سختی امور زمینه این تفکر را در افراد پدید آورد که خداوند از تحقق وعده خویش استنکاف ورزیده است.

توجه به سنت استخلاف

طبق وعده الهی در مبارزه همیشگی میان حق و باطل، نهایتاً حق باطل را کنار زده و جانشین آن خواهد شد:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵).

چرا که مالک زمین خداست و اوست که هر کس را بخواهد وارث آن خواهد کرد:

«قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸).

بدین سبب حق تعالی از لسان انبیای خویش به مردم هشدار می‌دهد که اگر روی گردانند و تخلف ورزند؛ گروهی دیگر را جانشین آن‌ها خواهند کرد:

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا إِنْ رَضِيَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِیْظٌ﴾ (هود: ۵۷).
 ﴿وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخَرِينَ﴾ (انعام: ۱۳۳).

پس به دو نحو می‌توان از این سنت در پیشگیری و درمان یاس، استفاده نمود:

۱. تبشیر: بدین معنا که اگر مؤمنان با امیدواری به وعده الهی در پیروزی نهایی حق ﴿كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (مجادله: ۲۱) یأس را از خود برانند و به وظایف خویش عمل کنند، بشارت الهی آنان را دربرمی‌گیرد و در نهایت زمین را به ارث می‌برند.
۲. تنذیر: اما اگر ناامیدی به حدی در ایشان نفوذ کند که در اعتقاد و عمل منحرف شوند؛ بساطشان برچیده شده و گروه دیگری جای آنان را خواهد گرفت. پس باید از ابتلای بدان پرهیز نمایند.

تأمل در بشارت‌ها

ائممه عليهم السلام دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را با اوصاف تفوق دین الهی بر سایر ادیان:

و یظهر الله تعالی به دینه علی الدین کله ولو کره المشرکون؛ (نعمانی، بی‌تا: ۳۸۷)
 و حق تعالی به واسطه او دینش را بر تمامی ادیان چیره می‌گرداند هرچند مشرکان آن را ناپسند دانند.

امتلاء زمین از عدل و قسط:

الذی یملا الله عزوجل به الأرض عدلا وقسطا کما ملئت ظلما وجورا؛ (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۳۴۱)

خداوند توسط او زمین را از عدل پر خواهد کرد هم‌چنان‌که مملو از ظلم شده باشد.

والله لیدخلن (القائم) علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحروالقر؛ (نعمانی، بی‌تا: ۲۹۷)

به خدا سوگند قائم بر آن‌ها وارد شود در حالی که عدل وی تا عمق منازلشان حضور یابد همان‌طور که حرارت و برودت در آن نفوذ کند.

نابودی دشمنان و نجات در آخرت:

ییشرهم الله بقیام القائم و بظهوره و قتل اعدائهم و بالنجاة فی الآخرة؛ (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۴۲۹)

حق تعالی مؤمنان را به قیام قائم و ظهورش و نابودی دشمنان و نجات در آخرت نوید می‌دهد.

گشایش مشکلات شیعیان:

هو مفرج للكرب عن الشيعة بعد ضنك شديد وبلاء طويل وجور؛ (نعمانی، بی تا: ۹۰)
او گشایش گر مشکلات شیعیان بعد از تنگنای دشوار و بلای طولانی و ستم است.

برقراری امنیت، خروج برکات زمین، بازگشتن حق به صاحبان آن:

إذا قام القائم عليه السلام حكم بالعدل وارتفع في أيامه الجور وأمنت به السبل وأخرجت الأرض
بركاتها ورد كل حق إلى أهله... فحينئذ تظهر الأرض كنوزها وتبدى بركاتها و...؛ (کلینی،
۱۴۰۷ق: ج ۸، ۲۸۷)

چون قائم ظهور کند، به عدل حکم کرده و جور را نابود خواهد ساخت. به واسطه او
راه‌ها امنیت یابد و زمین برکاتش را خارج نماید و حق به صاحبانش بازگردد... در این
هنگام زمین گنج‌هایش را ظاهر می‌سازد و برکاتش را آشکار می‌نماید.

و... معرفی کرده‌اند. از این رو با ملاحظه بشارت‌های ائمه اطهار عليهم السلام درباره ظهور امام
مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و حکومت عادلانه ایشان که نجات در دنیا و آخرت را به همراه دارد، تردیدها
زدوده شده و یأس و ناامیدی رخت بر می‌بندد. زیرا علم و عصمت ائمه، احتمال هرگونه
اشتباهی را در قول و فعل‌شان باطل می‌سازد.

اهتمام به صبر

همان‌طور که در «سنت آزمون و ابتلا» گذشت، خداوند جوامع را می‌آزماید تا مؤمنان حقیقی -
که هرگز از تحقق وعده‌های الهی در نصرت دین ناامید نشده بلکه به دین خویش (اطاعت
اوامر الهی و ترک معاصی) پایبند می‌مانند - از سایرین متمایز گردند. در چنین شرایطی، یکی از
وظایف افراد اهتمام به صبر است. هم‌چنان که حق تعالی، رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به صبر فراخوانده
(مدثر: ۷؛ طور: ۴۸؛ ق: ۳۹؛ طه: ۱۳۰؛ احقاف: ۳۵؛ ص: ۱۷) و از آن به عزم در امور تعبیر کرده
است. (شوری: ۴۳؛ لقمان: ۱۷) نیز وعده داده که اجر صابران ضایع نخواهد شد. (یوسف: ۹۰)
زیرا در قیامت، از مواهب بهشتی متنعم شده:

﴿وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا﴾ (انسان: ۱۲).

﴿أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا﴾ (فرقان: ۷۵).

و رستگار خواهند بود:

﴿إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (مؤمنون: ۱۱۱).

و در دنیا نیز از گزند کید دشمنان محفوظ:

﴿وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً﴾ (آل عمران: ۱۲۰).

و عاقبت بر آنان پیروز خواهند شد. هم چنان که قوم بنی اسرائیل را به واسطه صبر بر فرعونیان چیره گرداند و آنان را وارث زمین قرار داد:

﴿وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَثَّلَ لَكُمْ الْخُسْفَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾ (اعراف: ۱۳۷).

تأمل در روایات به دست می دهد که منش صبر در عصر غیبت نمود ویژه ای می یابد. زیرا ائمه علیهم السلام در موارد متعدد، مؤمنان را به صبر تا ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف فراخوانده و با بیان ثمرات اخروی آن - که تنها مخصوص صابران در عصر غیبت است و هیچ گروه دیگری را در برنمی گیرد - محرکی قدرتمند را در آنان ایجاد کرده اند. برای نمونه:

معیت با ائمه در روز قیامت:

الاعلم ان من انتظر امرنا وصبر على ما يرى من الاذى والخوف هو غدا في زمرةنا؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۳۷)

آگاه باشید که هرکس انتظار امر ما را کشد و بر آزارها و ترس زمان غیبت صبر پیشه سازد در قیامت همراه ما خواهد بود.

حضور در میان ایمان آورندگان به غیب و حزب الهی:

طوبى للصابرين فى غيبته. طوبى للمقيمين على محبتهم. اولئك وصفهم الله فى كتابه الذين يؤمنون بالغيب اولئك حزب الله. الا ان حزب الله هم المفلحون؛ (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۲۳)

خوشا به حال شکیبایان در غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، خوشا به حال پای برجایان بر راهشان؛ آنها کسانی اند که خداوند در کتابش با عنوان ایمان آورندگان به غیبت توصیف شان نموده، آنان حزب الهی اند. بدانید که حزب الهی رستگارند.

قرار گرفتن در زمره مجاهدان:

أما إن الصابرين غيبته على الأذى والتكذيب بمنزلة المجاهد بالسيف بين يدي رسول

الله ﷻ: (شیخ صدوق، بی تا: ۳۱۷)

کسی که در زمان غیبت امام بر آزار و تکذیب صبر ورزد، به منزله جهادگر با شمشیر در خدمت رسول خدا ﷺ است.

برخورداری از ثواب فراوان (اجر هزار شهید مانند شهدای بدر و احد):

من ثبت علی مولاتنا فی غیبة قائمنا اعطاه الله أجر ألف شهید مثل شهداء بدر و احد؛ (شیخ صدوق، بی تا: ۳۲۳)

هرکس بر دوستی ما در غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه پایدار بماند حق تعالی اجر هزار شهید مانند شهدای جنگ بدر و احد را به وی ارزانی دارد.

از این رو تأکید بر عنصر صبر و اجر ویژه صابران در دوره غیبت، ناامیدی را از نهاد افراد ریشه کن می سازد و به آنان مژده می دهد که حتی اگر به فیض ظهور نرسند از پاداش فراوان برخوردار خواهند شد. در ضمن، اگر افراد ترغیب شوند که یکدیگر را به صبر فراخوانند، ناامیدی از نهاد جامعه نیز رخت خواهد بست. هم چنان که قرآن کریم، مؤمنان را به توأسی به صبر فراخوانده و آن را شرط لازم برای نجات از خسران و رسیدن به فلاح می داند:

﴿مَنْ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾ (بلد: ۱۷).

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَآ خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (عصر: ۲-۳).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۲۰۰).

مفسران در تفسیر «توأسی به صبر» در مجموع، سه قسم صبر (صبر بر طاعت، صبر بر معصیت و صبر بر مصیبت) را برشمرده اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۲۰، ۲۹۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳۱، ۱۷۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۷۵۷؛ طوسی، بی تا: ج ۱۰، ۳۵۵) بنابراین ضروری است هر مؤمنی، در راستای سفارش دیگران به صبر نیز تلاش کند به گونه ای که این مسئله در جامعه فرهنگ سازی شود.

تقویت اخلاص و یقین

گروه اندکی که از فتنه ها و آزمون های عصر غیبت به سلامت نجات می یابند در روایات با اوصافی چون: «المخلصین» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۶، ۴۰۹)؛ «المخلصون المباشرون لروح یقین» (صدوق، بی تا: ۳۰۴)؛ «المخلصون المباشرون لروح یقین الذین اخذ الله میثاقهم

بولایتنا و کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه (روایات متعدد مشابه) «(صدوق، بی تا: ۳۰۴)؛ «من قوی یقینه و صحت معرفته و لم یجد فی نفسه حرجا مما قضینا و سلم لنا اهل البیت» (شیخ صدوق، بی تا: ۳۲۳) و ... توصیف شده اند که قدر مشترک شان اخلاص و یقین است. «اخلاص»، به معنای خالص گرداندن نیت و عمل تنها و تنها برای خداست. در این که عبد از همه خلق بریده شده؛ جز به پرورگار خویش امید نبندد و جز از او پاداش نخواهد. (برای توضیح بیشتر: کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۱۵، باب الاخلاص؛ برقی، ۱۳۷۱ق: ج ۱، ۲۵۱، باب الاخلاص)

«یقین» نیز به معنای توکل بر خدا، تسلیم در برابر او، راضی بودن به قضای او و واگذار کردن کارها به او است و موقن کسی است که حقانیت خدا، مرگ، رستاخیز، حساب، بهشت و دوزخ و ... را تصدیق نماید. (برای توضیح بیشتر: برقی، ۱۳۷۱ق: ج ۱، ۲۴۸، باب الیقین)

در بیان ارتباط میان این دو صفت، می توان گفت اخلاص حالتی است که از یقین برخاسته و به تبع آن حاصل می شود. هم چنان که ائمه علیهم السلام اخلاص را از ثمرات یقین دانسته اند. زیرا تصدیق و اقرار به خداوند و یکتایی او، سبب می شود که فرد خود را برای او خالص گردانیده و از هر چیزی جز او منقطع شود.

بر این اساس، دستیابی به این دو صفت، راه نجات از ابتلائات عصر غیبت - و به طور ویژه پیشگیری و درمان یأس - است. زیرا یقین و اخلاص همان تصدیق وعده های الهی، اقرار به حقانیت آنها، تسلیم در برابر خداوند و منعطف کردن تمام توجه به او است؛ بنابراین تاخیر در فرج، هرگز فرد موقن و مخلص را به یأس مبتلا نخواهد کرد.

گرچه این دو صفت زیر مجموعه وظایف منتظران در تصحیح و تکامل رفتاری است - که در ادامه خواهد آمد - اما به علت تأکید ویژه ائمه، به صورت مجزا مورد بحث قرار گرفت.

انتظار تکلیف محور (درک جایگاه انتظار و وظایف منتظران)

در روایات از انتظار فرج به عنوان بهترین اعمال و عبادات و از منتظران حقیقی ظهور، با نام افضل اهل زمان یاد شده است:

انتظروالفرج ولاتیاسوا من روح الله فان احب الاعمال الى الله عزوجل انتظارالفرج؛ (شیخ صدوق، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۶۱۶)

انتظار فرج را کشید و از رحمت الهی نومید مشوید؛ زیرا محبوب ترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است.

أفضل أعمال أُمّي إنتظار الفرج من الله؛ (شيخ صدوق، بی تا: ج ۲، ۳۵۷)
برترین عمل امت من انتظار فرج است.

أفضل العبادة إنتظار الفرج؛ (شيخ صدوق، بی تا: ج ۱، ۲۸۷)
والاثرین عبادت انتظار فرج است.

أَنَّ أهل زمان غيبته القائلون بامامته المنتظرون لظهوره أفضل من أهل كُلِّ زمان؛ (مجلسی،
۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۱۲۲، به نقل از الاحتجاج)
مردم عصر غیبت که به امامت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معتقد بوده و انتظار ظهورش را می کشند،
از مردم تمامی زمان ها برترند.

به ویژه آن که ائمه عليهم السلام، اجر منتظران را - حتی اگر به فیض ظهور نرسند - چون اجر شهادت
در معیت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف بلکه شهادت در لوای نبی اکرم صلی الله علیه و آله دانسته اند:

من آمن بنا وصدق حديثنا وانتظر امرنا كان كمن قتل تحت راية القائم، بل والله تحت راية
رسول الله؛ (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۶۴۰)
هر کس به ما ایمان آورده، گفتارمان را تصدیق نماید و انتظار امرمان را کشد؛ مانند
کسی است که در زیر لوای قائم کشته شود بلکه به خدا سوگند هم چون کسی است که
در لوای رسول الله صلی الله علیه و آله به شهادت رسد.

... المنتظر له كمن جاهد والله مع قائم آل محمد بسيفه... بل والله كمن استشهد مع رسول
الله في فسطاطه؛ (طبرسی، ۱۳۷۴ش: ج ۹، ۳۵۸)

منتظر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند کسی است که با شمشیرش همراه وی جهاد نماید... بلکه
به خدا سوگند مانند کسی است که در معیت رسول الله صلی الله علیه و آله شهید شود.

من مات على هذا الامر منتظرا له بمنزلة من كان مع القائم في فسطاطه ثم سكت هنيئة ثم
قال: هو كمن كان مع رسول الله صلی الله علیه و آله؛ (برقی، ۱۳۷ق: ج ۱، ۱۵۶)

هر کس با اعتقاد به این امر و در حال انتظار وی از دنیا رود چون کسی است که در معیت
قائم باشد. سپس درنگ نمود و فرمود: بلکه مانند کسی است که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله
است.

مسلماً چنین انتظار حیات بخشی، انسان را از ناامیدی می رهاند و زمینه پویایی را در نهاد
وی ایجاد می کند، به گونه ای که با شناخت وظایف منتظر راستین، در راستای اصلاح جان
خویش و جامعه حرکت کرده تا شایسته این بشارت الهی باشد:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ...﴾. (آیه الله جوادی آملی،

از جمله این وظایف - که منتظران باید در تکاپوی تخلق بدان باشند - می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

تعمیق معرفت نسبت به امام

تلاش در راستای شناخت دقیق مقام امامت، نقش و جایگاه امام، ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، اوصاف ایشان و ... بی‌تردید زمینه‌ساز حیات معقول و ثمربخش است. زیرا در احادیث، از نبود چنین معرفتی، به مرگ جاهلی تعبیر شده و در مقابل، عارف به این مقام (هرچند به شرف حضور نایل نگردد) در زمره یاران حضرت - و بلکه - مستشهد در راه حمایت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفته است:

من مات ولم يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهلية؛ (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۳۷۸)
هرکس بدون شناخت امام زمانش بمیرد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

من مات وليس له امام فميتته ميتة جاهلية و من مات وهو عارف لإمامه كان كمن هو مع القائم في فسطاطه؛ (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۳۷۱)
هرکس بدون امام از دنیا رود؛ مرگش مرگ جاهلی است و هرکس با معرفت به امامش وفات یابد، مانند کسی است که در معیت قائم و در لوای ایشان باشد.

من عرف امامه ثم مات قبل ان يقوم صاحب هذا الامر كان بمنزلة من كان قاعدا في عسكرة، لا بل بمنزلة من قعد تحت لوائه؛ (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۳۷۱؛ نعمانی، بی‌تا: ۳۲۹)
هرکس با معرفت به امامش و پیش از ظهور وی از دنیا رود مانند کسی است که در لشکر ایشان حضور یافته بلکه به منزله کسی است که در لوای ایشان است.

العارف منك هذا الأمر المنتظر له المحتسب فيه الخير، كمن جاهد والله مع قائم آل محمد بسيفه. ثم قال الثالثة: بل والله كمن استشهد مع رسول الله صلی الله علیه و آله في فسطاطه. (طبرسی، ۱۳۷۴ ش: ج ۹، ۲۳۸)
هرکس امامت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بشناسد و منتظر آن باشد و آن را خیر محسوب نماید مانند کسی است که با شمشیرش در معیت قائم جهاد کند. پس برای بار سوم فرمود: بلکه به خدا سوگند هم‌چون کسی است که در لوای رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شود.

تصحیح و تکامل رفتاری

شناخت عمیق، فرد را به تلاش در جهت بهبود عملکرد خویش و می‌دارد. انجام واجبات و ترک محرمات از مهم‌ترین مسئولیت‌های عملی منتظرین است. البته التزام به واجبات و پرهیز

از محرمات، حد نصاب است و منتظر باید به ورع و محاسن اخلاق نیز متخلق شود تا به حدکمال دست یابد. در این صورت حتی اگر پیش از ظهور حضرت علیه السلام از دنیا رود، اجر همراهی با ایشان را خواهد برد. همان گونه که امام صادق علیه السلام می فرمایند:

من سرّه أن یکون من أصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر فإن مات و قام القائم بعده کان له من الأجر مثل أجر من أدركه؛ (نعمانی، بی تا: ۲۰۰) هر کس که بودن در شمار یاران قائم شادمانش سازد باید به انتظار باشد و با حال انتظار به پرهیزگاری و خلق نیکو رفتار کند و اوست منتظر. پس اگر اجلش برسد و قائم پس از درگذشت او قیام کند، بهره او از پاداش هم چون کسی است که آن حضرت را دریافتی باشد.

تعالی بخشی به جامعه

افزون بر رشد فردی، تلاش در جهت رشد علمی، اخلاقی، فرهنگی، نظامی و مدیریتی جامعه نیز باید مدنظر منتظران قرار گیرد. لازم است هر فرد به تناسب استعدادها و توانایی های خویش، حوزه ای را برگزیده و برای پیشرفت جامعه در آن حیطة اقدام کند. و مواردی دیگر که فرصت جداگانه ای را طلب می کند. (برای مطالعه بیشتر درباره وظایف منتظران: کتاب های معرفت امام زمان و تکلیف منتظران از شفیعی سروستانی و امام مهدی موجود موعود از آیه الله جوادی آملی) ضروری است در راستای افزایش اطلاعات مردم در این زمینه، با تجهیز امکانات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی فرهنگ سازی لازم صورت گیرد.

نتیجه گیری

یاس و ناامیدی، از مهم ترین چالش های عصر غیبت و مسئله مورد ابتلا در جامعه امروز است. هم چنان که مبتلا به جوامع گذشته نیز بوده و در قرآن کریم به آن اشاره شده است. ائمه اطهار علیهم السلام با پیش بینی شدت گرفتن یأس مردم در زمان غیبت، از دشوار بودن دینداری در آن زمان سخن گفته و در عین حال شیعیان را از یأس بر حذر داشته اند. زیرا ماهیت عوامی که در عصر غیبت منجر به یأس می شود، آزمایش الهی است تا به واسطه آن مؤمنان حقیقی - که هرگز از تحقق وعده های الهی در نصرت دین ناامید نمی شوند - از سایر افراد (که به هر میزان ایمان شان ضعیف تر باشد؛ یأس بیشتری را تجربه خواهند کرد) مشخص شده و به اجر عظیم اخروی دست یابند.

براین اساس لازم است با در نظر گرفتن سنت ها (چون سنت آزمون، سنت نصرت الهی و

سنت استخلاف)؛ اهتمام به صبر (در برابر مصائب و ابتلائات این عصر و نیز تحمل دشواری‌های اطاعت الهی و ترک معصیت)؛ تأمل در بشارت‌های ائمه علیهم‌السلام درباره حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌ه؛ تقویت اخلاص و یقین و تلاش در راستای انتظار تکلیف‌محور (به واسطه تعمیق معرفت نسبت به امام؛ تصحیح و تکامل رفتار؛ تعالی بخشی به جامعه و...) به پیشگیری یا درمان یأس فرد و جامعه پرداخته شود.

منابع

- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ابومعاش، سعید، *الامام المهدی فی القرآن والسنة*، مشهد، مؤسسة الطبع و النشر التابعة للاستانہ الرضویہ المقدسه، ۱۴۲۵ق.
- استرآبادی، محمد بن علی، *منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، اول، ۱۴۲۲ق.
- استرآبادی، علی، *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، قم، بی نا، اول، ۱۴۰۹ق.
- بحرانی، سیدهاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۱۸ق.
- جوادی آملی، عبدالله، *امام مهدی موجود موعود*، تحقیق و تنظیم: سید محمدحسن مخبر، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ش / ۱۳۹۵ش.
- _____، *تفسیر تسنیم*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ش.
- جوینی الخراسانی، علی بن محمد، *فرائد السمطین*، بیروت، مؤسسه محمودی، ۱۴۰۰ق.
- حکیمی، محمدرضا، *خورشید مغرب*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، *مختصر البصائر*، قم، بی نا، ۱۴۲۱ق.
- خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة*، بی جا، بی نا، پنجم، ۱۴۱۳ق.
- سیوطی، جلال الدین، *الدرالمشور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- شریعه زاده خراسانی، محمود، *الحکومه العالیه للامام المهدی فی القرآن والسنة*، قم، مجمع احیاء الثقافات الاسلامیه، ۱۳۸۲ش.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، *معرفت امام زمان و تکلیف منتظران*، تهران، موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۸۸ش.
- صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا عليه السلام*، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا عليه السلام، ۱۴۱۳ق.
- _____، *کتاب الخصال*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.

- _____، کمال‌الدین و تمام النعمه، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، بی‌تا.
- _____، معانی الاخبار، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۴ش.
- طبری، محمد بن جریر، دلائل‌الامامة، تهران، مؤسسة البعثه، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
- _____، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- _____، کتاب‌الغیبه، قم، مؤسسة المعارف الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح‌الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۲۰ق.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام، بی‌تا.
- _____، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، داراحیاء تراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری‌شهری، محمد، میزان‌الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۱ش.
- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، اول، ۱۳۷۴ش.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال‌النجاشی، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم / مؤسسة النشر الإسلامی، ششم، ۱۳۶۵ش.
- نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر، کتاب‌الغیبه، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، بی‌تا.
- نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال‌الحديث، تهران، بی‌نا، اول، بی‌تا.

